نمای مهر
درباره ساسان سپنتا

ـ ساسان سپنتا، زبانشناس، موسیقی‌شناس، محقق و مؤلف، متولد ۱۲۱۲ - بمبئی.
ـ تحصیلات در اصفهان، تهران و ایالات متحده آمریکا در رشته‌های ادبیات فارسی، زبان‌شناسی عمومی.
ـ تحصیل موسیقی نزد ابوالحسن صبا، علینقی وزیری و محمود تاج‌بخش (نوازندگی ویولون) و استفاده از محضر روح‌الله خالقی و استادان دیگر.
ـ فعالیت قلمی در زمینه موسیقی از سال ۱۲۲۶ در مجله موزیک ایران (به سردبیری بهمن هربد).
ـ از آثار، کتاب‌های تاریخ تحول ضبط موسیقی ایران (۲ چاپ)، چشم‌انداز موسیقی ایران (۲ چاپ)، تنظیم و حاشیه‌نویسی بر جلد سوم «سرگذشت موسیقی ایران» نوشته روح‌الله خالقی، تعدادی مقاله تحقیقی در نشریات داخل و خارج کشور درباره موسیقی و تحقیقات الکتروآکوستیکی آن.

نقش صدا بر صفحه کاغذ

سید علیرضا میرعلی نقی: برای هر دوستدار و علاقه مند به مطالعه درباره جنبه های گوناگون موسیقی اصیل ایرانی، نام دکتر ساسان سپنتا، نامی آشنا و مورد احترام است. سال آینده، فعالیت قلمی ایشان در زمینه موسیقی ایرانی به نیم قرن می رسد و با این که رشته تخصصی وی در طول تحصیل و بعدها تدریس در دانشگاه، غیر از موسیقی بوده، با این وصف، او میان موسیقی شناسان، شناخته شده تر است تا نزد زبان شناسان و یا متخصصان ادب فارسی. می توان بخش موسیقی را فعالیت عاشقانه و بخش زبان شناسی و ادبیات را فعالیت عقلانی این چهره فرهنگی معاصر شناخت. اگرچه رویکرد او به موسیقی نیز هیچ وقت بری از عقلانیت نبوده و وی از نخستین نویسندگان جدی در این زمینه است که به جای افسانه پردازی های مرسوم، بر نگارش و تحقیق متکی بر اسناد و مدارک و دانش معتبر، تأکید داشته است.

او یکی از ۳ فرزند زنده یادان: عبدالحسین سپنتا و بانو گوهرتاج بزرگزاد ایمانی است. پدر، ادیب و تاریخدان و بانی سینما در ایران بود و بعدها که سینما را کنار گذاشت، مدیر روزنامه «سپنتا» که تا سال ۱۳۳۸ نیز منتشر می شد. او به همراه همسرش در اصفهان برای امور ترجمه و تألیف کتب مربوط به ایران باستان که از طرف دانشمند شهیر، دینشاه ایرانی (سیلستر) در بمبئی به عبدالحسین خان سپنتا واگذار شده بود، به هندوستان سفر کردند و فرزند آنها - ساسان - در بمبئی متولد شد. بعد از مدتی کوتاه، مادر به همراه خانواده به اصفهان مراجعت کرد و پدر نیز مدتی بعد آمد. ساسان سپنتا در محیط با فرهنگ و با اصالت خانواده خود، نغمه های موسیقی اصیل از ساز و آواز استادان و هنرمندانی چون صبا و نی داوود و قهر و تاج و ادیب را به گوش جان شنید و مجموعه این موسیقی متعالی که از صفحات گرامافون (تولید کارخانه های انگلیسی و آلمانی و آمریکایی) پخش می شد، شالوده ذهنی و پسند هنری او را شکل داد. پدر با موسیقی الفت داشت و خود نیز تصنیف هایی را در فیلم هایش خوانده بود و از این رو، مانعی برای یادگیری موسیقی در آن خانواده وجود نداشت. سپنتای جوان، دیپلم را در اصفهان گرفت و بلافاصله برای ادامه تحصیل به دانشگاه تهران رفت. دلمشغولی او در آن زمان، متفاوت با دلمشغولی های بسیاری از جوان های آن عصر، مطالعه و تعمق در ادبیات و تاریخ و جمع آوری صفحات قدیمی و کوهنوردی بود، ضمن این که در تمام دوره تحصیل تا آخرین مقطع دانشگاهی نیز شاگردی درسخوان و جدی شناخته می شد. او تحصیلات کلاسیک را به موازات آموزش موسیقی ادامه داد و هیچ کدام در زندگی او مانع دیگری نشد. نوازندگی ویولون را نزد آرمیک گورگین (از تحصیلکردگان موسیقی کلاسیک در روسیه) و سپس نزد ابوالحسن صبا، علینقی وزیری و محمود تاج بخش (از شاگردان قدیمی کلاس ویولون صبا) ادامه داد و تکمیل کرد. گهگاهی نیز برنامه هایی به عنوان «بابک» در رادیو اصفهان داشت که گاه صدای استاد جلال تاج اصفهانی را همراهی می کرد و گاه نیز به تک نوازی می پرداخت. گفتنی این که در سال ۱۳۳۰، وقتی همراه پدر به تهران آمد. او بعد از اخذ لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، در رشته زبان شناسی فوق لیسانس گرفت. گذشته از این، به کارهای فنی نیز بسیار علاقه مند بود و مشاغل دوره جوانی او همه در این زمینه گذشته است. از سال ۱۳۳۹، کارمند فنی شبکه بی سیم در وزارت راه بود. بعد از کسب موفقیت در آزمون آموزش حین خدمت، به ایالات متحده آمریکا اعزام شد و به ادامه تحصیل و کارآموزی در رشته الکترونیک پرداخت و مطابق روش منظم و سالمی که هنگام زندگی در تهران داشت، در آمریکا نیز از اوقات فراغت خود برای تکمیل معلومات در زمینه موسیقی استفاده کرد. او در مؤسسه معروف آر. سی. ای در ایالت نیوجرسی به کار پرداخت و در رشته علوم ارتباطات در دانشگاه میشیگان درس خواند. در این زمان (۱۳۴۱)، ساسان سپنتای بیست و هشت ساله بین همنسلان خود از حیث تحصیل و تربیت علمی سرآمد بود.

در سال ۱۳۳۶، بعد از جدال قلمی ای که در مجله موزیک ایران بین فریدون فرزانه (۱۳۶۴ - ۱۲۸۹) و روح الله خالقی (۱۳۴۳ - ۱۲۸۵) درگرفت، فریدون فرزانه به روش برخی موسیقیدان های شیفته غرب و بیگانه با ارزش های فرهنگ ملی، موسیقی ایرانی را فاقد ارزش هنری نامید و می توان گفت در پاسخ به او بود که نخستین یادداشت ساسان سپنتا در مجله موزیک ایران چاپ شد و بعد از آن، سلسله مقالات پربار و ارزنده ای (که فهرست مشخصات آن در «کتابشناسی موسیقی ایران» درج است)، به قلم او نوشته شد که جنبه های مختلف علمی و هنری موسیقی - بخصوص آواز ایرانی - را نشان می داد. استقبال خوانندگان مجله موزیک ایران از مقاله های سپنتا که با دانش فنی کافی و قلمی صریح و روان نوشته می شد، تداوم در نگارش و نشر آنها را فراهم آورد. گذشته از این، تعدادی از مقاله های انتقادی او در بررسی وضع ناهنجار موسیقی رادیو تهران در سال های ۱۳۴۳ - ۱۳۳۶ از جمله نوشته های خواندنی و ماندنی در تاریخ موسیقی معاصر است. انتقاد از مسئولان اداری موسیقی آن زمان در رادیو و وزارت فرهنگ و هنر که به هر حال از منسوبان دربار پهلوی بودند، خالی از خطر نبود، ولی ساسان سپنتا و گردانندگان آزاداندیش مجله موزیک ایران، هراس و پروایی از این خطرها نداشتند. او در این زمان مورد تشویق استاد روح الله خالقی قرار گرفت و با آن هنرمند بزرگ نیز تا آخر عمر او، دوستی عمیق و معاشرت پرفایده ای یافت. تعدادی از نامه های خصوصی خالقی به او که در سال های اخیر چاپ شده، گویای این رابطه پرمهر شاگرد و استادی است.

ساسان سپنتا بعد از مراجعت به ایران در دوره مترجمی دانشگاه تهران و مدرسه عالی ترجمه (که در سال های قبل از انقلاب در تهران فعال بود)، و همچنین در دانشکده فنی وزارت راه، به تدریس پرداخت و بعد از مدتی برای مطالعه و تدریس به دانشگاه درهام (انگلستان) رفت. در آنجا نیز از معرفی موسیقی ایرانی غافل نبود و جزوه ای کوچک نیز در معرفی موسیقی ایرانی به زبان انگلیسی، یادگار آن ایام است. او در انگلستان در مؤسسه معروف لینگافن (مخصوص دوره های خودآموز زبان های زنده دنیا) به عنوان مشاور کار کرد و بعد از تحصیل در دوره دکترای زبان شناسی عمومی در دانشگاه تهران با پایان نامه مصوب با عنوان «بررسی فونتیکی خصوصیات واج های زبان فارسی» به سال ۱۳۵۱ در دانشگاه تهران، درجه دکترا گرفت و در دانشگاه اصفهان به تدریس پرداخت که هنوز هم ادامه دارد.

تاکنون بیش از یکصد و بیست مقاله تخصصی در رشته های ادبیات، موسیقی و زبان شناسی به قلم روان و آموزنده دکتر ساسان سپنتا در نشریات تخصصی - پژوهشی داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است. گذشته از دو کتاب مهم و آموزنده «تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران» و «چشم انداز موسیقی ایران» که به ویرایش مجدد و چاپ دوم رسیده اند، کتاب «آواشناسی فیزیکی زبان فارسی» نیز به قلم او نوشته شده ولی هنوز منتشر نشده است. فعالیت های پژوهشی و علمی و آموزشی دکتر ساسان سپنتا از طرف سازمان جهانی یونسکو، کنسرواتوار موسیقی شیان، دانشگاه درهام، دانشگاه اصفهان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد تقدیر کتبی قرار گرفته است. او در کنگره بین المللی «بارید» که به تاریخ اردیبهشت ۱۳۶۹ (آوریل - مه ۱۹۹۰ میلادی) در شهر «دوشنبه» جمهوری تاجیکستان برگزار شد، به عنوان نخستین سخنران در مورد موسیقی ایرانی دوره ساسانی و مختصات موسیقایی بارید سخنرانی کرد. او از طرف هیأت برگزاری مراسم به عنوان رئیس جلسه کنگره انتخاب شده بود.

گذشته از فعالیت قلمی پربار، شهرت دکتر ساسان سپنتا بین اهل موسیقی، مربوط به بازیافت های صوتی او از روی لوله های فوتوگراف قدیم است. همان طور که گفته شد او از جوانی به گردآوری آثار موسیقی قدیمی در اصفهان گرامافون (که در آن زمان هیچ کس به فکر جمع آوری آنها نبود) و نیز به کارهای فنی در زمینه فیزیک و آکوستیک علاقه مند بود و با تمهیدات صوتی مناسب، صفحات قدیم را روی نوار ریل ضبط می کرد و در اختیار اهل فن قرار می داد. او خود می نویسد: «... برخی ایام تعطیل به همراه زنده یاد روح الله خالقی، آن نوارها را می شنیدیم و مباحثه می کردیم. گاه مواردی که کم و کسر داشت برای او ضبط می کردم و مواردی که نداشتم از مجموعه خود در اختیارم می گذاشت. در یکی از جلسات، روزی اظهار داشت: شما که این صفحه های سوزن خورده را به این خوبی روی نوار آورده اید آیا می دانید که قبل از ورود صفحه به ایران یکی دو دستگاه قدیمی تری به نام فونوگراف آورده بودند که روی استوانه های آن، اصوات را ضبط می کردند؟ گفتم: در دیوان عارف خوانده ام و...» زنده یاد خالقی، او را تشویق کرد که نزد دوستعلی خان معیری (معیر الممالک) برود و استوانه های موروثی خانواده را از او بخواهد که با کیفیت مناسب روی نوار ضبط شود. معیر هشتاد ساله با اکراه موافقت کرد. زیرا تا آن زمان چند نفر برای تعمیر و راه اندازی آن دستگاه اقدام کرده بودند و نتیجه ای گرفته نشده بود. سپنتا تصمیم گرفت دستگاه دیگری بسازد تا صدای حاصل از استوانه ها باز یافت شود. بعد از چند ماه تلاش و ساخت وسایل لازم که شرح آن در کتاب تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران آمده است، محتوی چند لوله را روی نوار ضبط کرد و نزد معیر الممالک برد. شاهزاده قاجار بعد از شنیدن صدای والدینش - پس از پنجاه سال - متأثر شد و گفت: «بیش از نیم قرن می گذرد که صدای مادرم را نشنیده بودم و فکر نمی کردم، دیگر هرگز موفق شوم، صدای مادرم را بشنوم» دوستعلی خان معیر، دریادداشتی یادگاری که به اسم یادگار برای سپنتا نوشته، چنین آورده: «... جوانی را دیدم زیبا و خوش اندام که اصالت و نجابت از سر و رویش بارز بود. پس از تعارفات رسمی به صحبت نشسته الحق وضع تکلم و انسانیت ایشان مرا جذب و فریفته نمود. به هر حال مدتی به فوتوگراف به اصطلاح ور رفته و چند لوله بردند، پس از چندی تشریف آورده، لوله ها را روی نوار آورده بودند تا یک درجه که بهتر از آن نمی شد درست شده بود... امیدوار به درگاه احدیت هستم که سال ها با خوشی زیست نمایند و به آنچه آرزو دارند برسند. یارب دعای خسته دلان مستجاب باد. دوستعلی معیر ۱۳۳۸». دکتر ساسان سپنتا می افزاید: «آنچه از مجموعه لوله های فوتوگراف مذکور حاصل شد، از نخستین آثار بازمانده صوتی ضبط شده و بازیافت شده در ایران به شمار می آید که از نظر بررسی های زبانشناسی زبان فارسی و تطور آن، صدای شخصیت های معروف، آثار خطبا و گویندگان نامی، مطالعه در مراسم و اعیاد سنتی، سماع نغمه ها و ردیف اصیل موسیقی ایرانی، سبک نوازندگی استادان موسیقی عصر ناصرالدین شاه، که نغمات ساز آنها به جز وسیله استوانه فوتوگراف در هیچ وسیله دیگری ضبط و پخش نشده، آن منابع می تواند مفید بوده و مورد استفاده واقع شود.» ایشان بعد از بازیافت این آثار در چند مصاحبه رادیویی، برخی از آنها را روی نوار ضبط کرد و با شرح و توصیف لازم برای استفاده عموم ارائه داد که از رادیو ایران به تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۵۱ پخش شد. در چهاردهم دی ماه ۱۳۵۱ یک فیلم ۱۶ میلیمتری تلویزیونی از کارگاه آزمایشهای علمی دکتر ساسان سپنتا در تلویزیون به نمایش درآمد. دکتر ساسان سپنتا اضافه می کند: «از آن به بعد، خانواده های چندی با من تماس گرفتند و برخی از لوله های ضبط شده فوتوگراف را که در اختیار داشتند برای بازیافت صدا در اختیار من قرار دادند. از آن جمله آقای مصطفی فاتح چند لوله فوتوگراف آوردند که روی نوار مغناطیسی منتقل کردم. در بین آن لوله ها قطعاتی از سیدرحیم خواننده معروف اصفهانی و نیز روضه حاج تاج نیشابوری واعظ معروف را که صدایی گیرنده و سیمایی دلکش داشت، قطعاتی موجود بود.»

با همه اهتمامی که دکتر ساسان سپنتا برای انتشار بخشی از صفحه های قدیم (از جمله صفحات آواز سید حسین طاهرزاده) داشته است، هنوز تمایلی بر انتشار این تک سندهای باارزش و تاریخی، از سوی ایشان مشاهده نشده است. شاید علت اصلی، بی رغبتی محیط فرهنگی و عدم توجه مسئولان است که گویا به ارزش های موجود در این اسناد یگانه، واقف نیستند و برای به نشر آوردن آنها، سرمایه لازم را صرف نمی کنند. در حالی که نشر صحیح و شایسته این آثار گرانبها با نظارت صاحب اصلی و کارشناس آنها باید صورت بگیرد. همچنین، هنوز کتابی حاوی مجموعه مقالات ارزشمند ایشان در ۴۹ سال فعالیت مداوم و غیر مداوم در زمینه موسیقی نویسی، منتشر نشده و وجود آن برای رشد فرهنگ موسیقی ایرانی الزامی است. حاصل زندگی پربار و پرکار دکتر ساسان سپنتا، هنوز در اختیار اهل فن و فرهیختگان قرار نگرفته است. اگر چه در همین حد انتشار نیز بسیار مثمر ثمر و تأثیر گذار بوده، در نگارش مقاله های دایرة المعارفی و تحقیقی مورد استفاده نویسندگان جوان قرار گرفته و همه این ها، غیر از شاگردانی است که در سی و پنج سال تدریس ایشان در دانشگاه، از محضر درس او استفاده کرده اند. دکتر ساسان سپنتا در سال های اواخر دهه ۱۳۸۰، به بازنشستگی از تدریس در دانشگاه می رسد و برای مردان علم و اندیشه، این مرحله، آغاز پربارترین دوره زندگی علمی آنان است که با خیالی آسوده و دور از دغدغه های کار و تدریس، به تدوین و ویرایش و نشر آثارشان می پردازند و در واقع، حاصل عمر را به چشم خویش می بینند و از ثمرات آن بهره می گیرند.

✓ با همه تلاشی که کردیم موفق به یافتن عکس تازه ای از دکتر ساسان سپنتا نشدیم. این عکس را با تفحص بسیار در آرشیو های قدیمی یافتیم؛ گرچه نقش استاد در موسیقی ایران فراتر از یک تصویر ساده است.